

بررسی نقش سیستم قضایی جمهوری اسلامی ایران در حمایت از محیط زیست شهری بابک پورقهرمانی^۱

دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

محمد رضا نوجوان

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۹

چکیده

طبق قانون اساسی، حفاظت از محیط زیست به عنوان وظیفه همگانی بر عهده مردم و دولت است. در این خصوص نقش دادستان به عنوان مدعی العموم دارای اهمیت است و مطابق قانون وظایف و اختیاراتی بر عهده وی قرار داده شده است. در این خصوص وی به عنوان حافظ حقوق عامه و وظیفه اعلام جرم و تعقیب قانونی تخریب کنندگان محیط زیست را داشته و از جایگاه مدعی العمومی که بر عهده دارد از این حق شهروندان حفاظت می‌کند و در مواردی که حفاظت از محیط زیست ایجاب کند اقدام به صدور دستورات ویژه مانند تعطیلی کارخانه‌ها و صنایع آلوده ساز کرده و با مجرمان محیط زیستی برخورد می‌کند. اضافه بر آن مطابق قانون و با اختیاراتی که دارد بر ضابطان دادگستری نظارت کرده و تعلیمات لازم را در زمینه حفاظت از محیط زیست به آنها می‌دهد و بالاخص با ضابطان خاص مانند مأمورین سازمان حفاظت از محیط زیست، منابع طبیعی و نهادهای غیردولتی در زمینه محیط زیست ارتباط دارد.

کلمات کلیدی: محیط زیست، سیستم قضایی، سازمان حفاظت از محیط زیست، قوانین داخلی

مقدمه

در سیستم قضایی، دادستان به عنوان مدعی العموم، نقش برجسته تری نسبت به سایر قضات در زمینه جرایمی که واجد جنبه عمومی بوده و یا جنبه عمومی جرم بر جنبه خصوصی آن غلبه دارد؛ مانند جرایم زیست محیطی که متعلق به عموم جامعه است دارد و بدین ترتیب نباید از نقش مهم وی در مقابله با جرایم زیست محیطی نیز غافل شد. لذا می‌توان گفت که اگر دادستان به عنوان نماینده جامعه و نظم عمومی فرض شود جایگاه امنیتی و اجرایی - اداری وی و اگر به عنوان نماینده عدالت و متضمن حقوق شهروندی فرض شود، جایگاه قضایی یا شبه قضایی او در نظام عدالت کیفری پررنگ می‌شود و از این طریق به نحو بهتری می‌تواند در راستای حفظ حقوق عامه که یکی از مصادیق آن مقابله با جرایم زیست محیطی است قدم بردارد.

با توجه به گستردگی وظایف و مسئولیت‌های دادستان در سیاست جنایی قضایی کشور ما، وظایف و مسئولیت‌های متعدد دادستان در مقابله با جرایم زیست محیطی را می‌توان به دو گروه عمده وظایف و مسئولیت‌های اجرایی و نظارتی وی در پیشگیری و برخورد با جرایم زیست محیطی تقسیم کرد که در ادامه به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

مبانی نظری

محیط زیست

در قوانین و مقررات داخلی اعم از قانون اساسی و قوانین مربوطه دیگر، تعریفی از محیط زیست ارائه نشده است. لذا بعضی از صاحب نظران نسبت به اینکه بتوان تعریف جامع و حقوقی از محیط زیست ارائه داد، اظهار تردید نموده و بیان داشته‌اند که حقوق داخلی ایران در خصوص تعریف محیط زیست ساکت بوده و بیشتر محیط زیست را در رابطه با عناصر طبیعت منابع طبیعی، شهر و مناظر بکار برده‌اند و حقوق و تکالیف را حول این محورها بیان نموده‌اند (میرعظیم، ۱۳۷۵، ۳). برای مثال می‌توان به برخی از قوانین و مقررات موضوعه مانند قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور، قانون شکار و صید، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا و ... اشاره نمود. محیط زیست را می‌توان این‌گونه تعریف نمود: محیط‌زیست به تمام محیطی اطلاق می‌شود که انسان به طور مستقیم و غیر مستقیم به آن وابسته است و زندگی و فعالیت‌های او در ارتباط با آن قرار دارد.

در نهایت باید عنوان کرد که اصطلاح محیط زیست گرچه در هیچ یک از کنوانسیونها، معاهدات و بیانیه‌های مهم بین‌المللی تعریف نشده، اما در یک نگاه کلی می‌توان گفت که محیط زیست به همه شرایط و عوامل فیزیکی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیبا شناختی اطلاق می‌شود که اشیاء و اموال موجود در کره زمین در حیطه آن قرار دارد و بر مطلوبیت و ارزش آن اموال و نیز کیفیت زندگی بشر اثرگذار است. پس هر چه که در اطراف ما است در محدوده معنی و مفهوم این اصطلاح قرار می‌گیرد.

لذا با توجه به مسائل پیش گفته، می‌توان عنوان کرد که تعریف اصطلاح محیط زیست که در ماده 48 قانون حفاظت از محیط زیست کشور هند آمده می‌تواند مبنای نظام حقوقی ما قرار گیرد: محیط زیست مجموعه‌ای است پیوسته از عوامل خارجی که رشد و حیات همه موجودات اعم از انسان‌ها، جانوران و گیاهان به آن وابسته است (فهیمی، ۱۳۸۷، ۱۱۰).

آلودگی محیط زیست

در رابطه با جرم زیست محیطی و آلودگی محیط زیست باید عنوان کرد که هر دوی این عناوین در قوانین داخلی کشورمان مورد توجه قرار گرفته اند. در بعضی از قوانین صرفاً به آلودگی پرداخته شده و مصداقی بیان نشده اما در بعضی دیگر قوانین با تقسیم بندی آلودگی نسبت به عناصر جان دار و بی جان اقدام شده است. به زبان دیگر اینکه در برخی موارد قانونگذار مصادیق را مشخص کرده اما در برخی موارد این کار را نکرده است و برای هر کدام مجازات متفاوتی را در نظر گرفته است. به طور مثال در ماده ۹ قانون حفاظت و بهزیستی اصلاحی ۱۳۷۱، هر اقدامی که سبب آلودگی محیط زیست شود ممنوع اعلام شده است.

۱- منابع آلوده کننده محیط زیست

این منابع به دو دسته طبیعی و مصنوعی تقسیم بندی می شوند.

۱- طبیعی مثل زلزله، سیل، فوران آتشفشان، رانش زمین، باران اسیدی و غیره

۲- مصنوعی همانند وسایل نقلیه (آلودگی صوتی، آلودگی هوا)، کارخانجات و صنایع و غیره

۲- انواع آلودگی و تاثیر آن بر محیط زیست

منظور از آلاینده‌ها هر شکلی از اجسام یا مواد فیزیکی، شیمیایی و یا دارای پرتوهای مخرب است که آثار زیان آور و تخریب کننده بر هر یک از عناصر محیط زیست اعم از آب، خاک، هوا، موجودات زنده و امثال آن داشته باشد. از آنجایی که مناطق صنعتی از جمله منابع آلودگی هستند قوانین حفاظت از محیط زیست معمولاً تلاش می کنند آلودگی هایی که در اثر توسعه صنعتی در مناطق استقرار مراکز و شرکتهای صنعتی رخ می دهد را کنترل نمایند برای نمونه در حقوق داخلی کشورمان می توان به تصویب نامه‌های مورخ ۱۳۹۰/۰۴/۱۵ و ۱۳۹۱/۰۲/۰۴ هیئت وزیران با عنوان ضوابط و معیارهای استقرار واحد های صنعتی و تولیدی اشاره کرد (در سال ۱۳۹۷ اصلاح شده است) که با هدف حمایت از محیط زیست به تصویب رسیده است و از اهمیت زیادی نیز برخوردار است. این تصویب نامه واحدهای صنعتی را بر مبنای آلودگی که تولید می نمایند طبقه بندی و ضوابط خاصی را برای هریک در نظر گرفته است.

اجرای شدن این گونه مصوبات و قوانین در راستای حمایت از محیط زیست بسیار اهمیت دارد زیرا آلودگی های ناشی از فعالیت های صنعتی و معدنی آثاری بر جای خواهد گذاشت که قابل جبران نیستند (ادینگتون، ۱۳۷۶، ۹۳-۹۶).

بنابراین اگرچه هدف از تصویب این چنین قوانینی حمایت از محیط زیست مجاور صنایع و تامین سلامت و آینده افرادی و سکونت‌گاه‌هایی است که در نزدیکی صنایع قرار دارند اما در بعد وسیع تر اجرای این قوانین در نهایت منجر به بهبود وضعیت محیط زیست در کل زیست کره خواهد شد که اهمیتی دو چندان دارد.

در سایر قوانین نیز این هدف دیده می شود به عنوان نمونه آنچه از قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست می توان برداشت کرد اینکه منظور از محیط زیست تنها محیط زیست مربوط به زندگی انسانی نیست و آلوده کردن رودخانه ای که تنها مصرف شرب حیوان دارد یا خاکی که آلوده کردن آن تنها به گیاهان و حشرات موجود در آن لطمه می زند نیز مشمول آن می شود. هر چند که این دگرگونی یا فساد منجر به عدم بهره برداری کامل از موجودات زنده یا

اکوسیستم های آنان می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵، ۲۰۸-۲۱۱) لذا با توجه به مطالب پیش گفته تاثیر آلاینده‌ها بر محیط زیست به سه دسته تاثیر بر انسان و تاثیر بر اموال و دیگری تاثیر بر محیط زیست طبیعی تقسیم می‌شود. به همین دلیل است که در حوزه حقوق بشر محیط زیست امروز به عنوان موضوع اصلی مورد بحث قرار می‌گیرد (امیر ارجمند، ۱۳۷۳، ص ۳۴۹).

حق برخورداری از محیط زیست سالم، در نسل سوم حقوق بشر که از دهه ۱۹۷۰ میلادی بیشتر مورد توجه واقع شد امروز از حقوق مسلم بشر است و اسناد و کنوانسیون های مختلف بین المللی به حمایت از آن برخاسته اند. آنچه امروز مسلم است اینکه آثار آلودگی محیط زیست محدود به جسم انسان نبوده و اثرات عمیقی بر روح انسان نیز وارد می‌نماید که این خود ناشی از بیماریهای جسمانی مانند سرطان، بیماریهای تنفسی، انواع مسمومیت ها و امثال آن خواهد بود.

در بسیاری موارد، استنشام بخارات سمی اطراف کارخانجات، موجب ایجاد مسمومیت در مردم ساکن اطراف آنها شده است. مثلاً اگر مردم به مدت طولانی در معرض استنشاق ذرات برلیوم موجود در هوا باشند به نارسایی های تنفسی مبتلا گشته و در ریه های آنها غده هایی بوجود می‌آید. این ها نمونه ای کوچک از اتفاقات ناگواری است که در سده های اخیر به علت آلودگی های صنعتی برای انسان ها و محیط اطراف او بوجود آمده است (حاتمی، ۱۳۹۵، صص ۲-۸).

در ادامه به تاثیر آلاینده‌ها بر محیط زیست طبیعی خواهیم پرداخت (صفایی، ۱۳۹۴، صص ۲۹-۳۱). گیاهان و درختان نقش بسیار مهمی در بهداشت و سلامت به عهده دارند. از آن جمله می‌توان به نقش آنها در جذب پرتوهای خورشیدی و هم چنین تولید اکسیژن و جذب گاز کربنیک هوا اشاره کرد. گیاهان و درختان با جذب گاز کربنیک هوا، باعث کاهش این گاز خطرناک شده و با آزاد کردن اکسیژن هوا، موجب افزایش این گاز حیاتی در محیط می‌شوند. از سوی دیگر، درختان از وزش بادهای شدید و زیانبار و جاری شدن سیلاب و گسترش بیابان ها سهم به سزایی دارند و با کاستن از دمای محیط و افزایش رطوبت هوا، باعث تعدیل آب و هوا می‌شوند و در نتیجه، هر جا که رطوبت بیشتری باشد باران بیشتری هم خواهد بارید.

در فضاهای شهری، گیاهان و درختان مانند انسان ها، بیشترین آسیب را متحمل می‌شوند و معمولاً گیاهان پهن برگ آسیب جدی تر می‌بینند و غالباً به علت ورود بیشتر مواد آلوده کننده از مجاری تنفسی، دچار نوعی بیماری به نام «تب گیاهی» می‌شوند و در نتیجه این عارضه، آشفتگی تنفسی گیاه ظاهر شده و تمامی برگ ها به زمین می‌افتند و حتی ممکن است به طور کلی گیاه از بین برود. همچنین دفع و دفن مواد غیر قابل تجزیه درون خاک صدمات شدیدی به محیط زیست وارد می‌کند. استفاده بی رویه از سموم دفع افات نباتی، آلودگی ناشی از سوزاندن سوخت های فسیلی، آلودگی آب و خاک که باعث از بین رفتن درختان و مراتع می‌شود (محمد جواد جنیدی، پیشین، ص ۱۷۹) استفاده از محیط زیست به عنوان ابزار جنگی نیز از جمله عواملی هستند که بشر با آن ها به تخریب و نابودی گیاهان و درختان روی آورده است (جمشید ممتاز، ۱۳۷۷، صص ۲۰۵ و ۲۰۶).

همچنین در کنار انهدام و نابودی گیاهان و درختان، گونه های جانوری نیز از خطر نابودی و انقراض در امان نمانده اند. حیوانات بویژه آن دسته از حیواناتی که در محیط های آلوده زندگی می‌کنند، از خطرات زیان بار آلودگی متأثر بوده و معمولاً این تاثیر بر حیوانات اهلی و وحشی از دو طریق صورت می‌گیرد (صفایی، ۱۳۹۴: ۳۰-۳۲):

علاوه بر این، آلودگی آنها مثل آلودگی دریایی، رودخانه ها و مرداب ها، سلامت و زیستگاه بسیاری از حیوانات را از بین برده است. بنابراین، آلاینده هایی که بوجود می آید علاوه بر این که محیط زیست انسان را تهدید می کند و سلامت و حیات انسان و دیگر موجودات را به خطر می اندازد، بر محیط زیست طبیعی نیز اثر گذاشته و آن را در معرض انقراض و نابودی قرار می دهد که این هم به طور غیر مستقیم و با واسطه، برای حیات انسان مخاطره آمیز می باشد؛ و ثمره این ها، تضییع حقوق انسان ها در برخورداری از محیط زیست سالم است (امیری قائم مقامی، پیشین، ص ۱۸۱).

سیستم قضایی و حمایت از محیط زیست شهری

دادستان علی الخصوص دادستان کل کشور به عنوان مدعی العموم، عضوی از سیستم قضایی است که می تواند در راستای حمایت از محیط زیست در مقابل آلودگی و تخریب راسا در صورت صلاحدید اقدام کند. در مورد کشف جرم و تعقیب متهمان به جرم توسط دادسرا تفاوتی بین جرایم زیست محیطی و سایر جرایم وجود ندارد؛ اما نکته قابل ذکر این است که جرایم زیست محیطی با توجه به اینکه غالبا سلامت انسان ها و سایر جانداران را دچار خدشه می کند باید در داسرا با سرعت و حساسیت بیشتر رسیدگی شود. وظایف و مسئولیت های دادستان کل کشور در رابطه با جرایم زیست محیطی در رابطه با ایفای نقش مدعی العمومی است. وی می تواند با توجه به جایگاهی که دارد از محیط زیست شهروندان که به عنوان یک حق حقوق بشری بوده دفاع نماید و در این زمینه اعلام جرم کند.

وی به نیابت از جامعه به اعاده و استیفای حقوق مردم برخیزد. بر این اساس احقاق و استیفای حقوق عمومی در زمینه محیط زیست بر عهده دادستان کل است که با توجه به صلاحیت محلی وی، توسط مقنن عهده دار امر تعقیب شناخته شده است. قابل ذکرست دادستان کل بعنوان مدعی العموم در گستره کشوری عمل می کند و این مورد شامل جرایم زیست محیطی نیز می شود؛ اما اختیارات دادستان های عمومی که بصورت محلی مختص حوزه مربوط به خود اقدام می کنند قابل اعمال از سوی وی نیست؛ لذا می تواند تعقیب متهم یا متهمان جرایم زیست محیطی را از دادستان عمومی (دادستان جزء) تقاضا کند. بر این اساس دادستان کل کشور بعنوان مدعی العموم در گستره کشوری می تواند در مواردی که هر رفتاری در عرصه ملی زیست محیطی جامعه را متضرر ساخته به طرفیت و به نیابت از جامعه از دادستانهایی که شأنیت و صلاحیت عملیاتی دارند بخواهد به تعقیب عاملان مزبور مبادرت کند.

نقش دادستان هر شهرستان در جهت حمایت از محیط زیست شهری

اگر مراحل دادسرا در زمینه جرایم محیط زیست را به ترتیب کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، رسیدگی و اجرای احکام بدانیم. دادستان در کلیه این مراحل از کشف جرم زیست محیطی تا اجرای احکام کیفری در مورد مجرمان زیست محیطی نقش به سزایی را بر عهده دارد؛ بنابراین به محض وقوع جرم زیست محیطی و یا تخریب محیط زیست، دادستان باید اعلام جرم نماید و متهم را مورد تعقیب قرار دهد حتی در صورتی که مرتکب شاکی خصوصی نداشته باشد. چرا که محیط زیست متعلق به همه شهروندان است و در صورت انجام جرم و یا تخریب قسمتی از محیط زیست ممکن است به کل افراد جامعه یا منطقه ای خاص زیان وارد شود.

بعد از اعلام جرم زیست محیطی حال مطابق بند ۲ ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، انجام تحقیقات مقدماتی در مورد جرایم زیست محیطی بر عهده بازپرس است. علاوه بر آن دادستان در مورد جرایمی که در

صالحیت دادگاه کیفری نمی باشد تنها می تواند تحقیقات را انجام دهد. در مورد تحقیقاتی که در مورد بررسی یک جرم زیست محیطی به بازپرس واگذار شده است دارای حق است و حق تعلیمات لازم به بازپرس را دارد. در نهایت دادستان یکی از طرفین دعوی محسوب می شود و حق اعتراض به رای نهایی در جرایم زیست محیطی را دارد. ملاحظه می شود که دادستان در کلیه مراحل دادرسی کیفری محیط زیستی نقش موثری ایفا می کند؛ بنابراین به هنگام وقوع جرایم زیست محیطی نقش وی در مورد کشف و تحقیق و تعقیب متهم به عنوان حافظ منافع عمومی می تواند موثر و حیاتی باشد. از طرفی هر چند در قوانین موضوعه برای افرادی غیر از مدعی خصوصی در جایگاه شاکی نقشی به عنوان اعلام کننده وقوع جرایم زیست محیطی قایل شده است و در رویه قضایی کنونی نیز دادگاهها و محاکم ایران به سازمان های غیردولتی حامی محیط زیست و افرادی غیر از مدعی خصوصی اجازه شکایت نداده است.

بنابراین دادستان به عنوان مدعی العموم در واقع دارای حق تعقیب جرایم محیط زیستی است. وظیفه کشف جرم موضوع ماده کشف جرم موضوع ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاهها قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب بر عهده دادستان عمومی و انقلاب بر عهده دادستان است. از سوی دیگر کشف جرم از طریق ضابطان دادگستری که دادستان ریاست آنها را از حیث است. از سوی دیگر کشف جرم از طریق ضابطان دادگستری که دادستان ریاست آنها را از حیث وظیفه ای که به عنوان ضابط دارند نیز بر عهده دارد. همچنین دادستان می تواند از طریق گزارش وظیفه ای که به عنوان ضابط دارند نیز بر عهده دارد. همچنین دادستان می تواند از طریق گزارشهایی هایی که سازمان بازرسی می دهند یا سایر نهادهای رسمی به که سازمان بازرسی می دهند یا سایر نهادهای رسمی به تعقیب جرم محیط زیستی بپردازد. در این خصوص دادستان مکلف است در صورت وقوع جرم زیست محیطی راسا نسبت به مرتکب اقامه دعوا و اعلام جرم کند و اینگونه جرایم نیازی به شاکی خصوصی ندارد و پرونده را به مقام تعقیب ارجاع دهد. برای تقویت این استدلال می توان به ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ اشاره کرد که در مقام بیان جرایمی است که شروع به تعقیب آن نیازمند شاکی خصوصی است.

اما از مواد ۹۷۵، ۶۸۰، ۶۸۶ و ۶۸۷ که به ترتیب راجع به آتش زدن جنگل ها - صید و شکار حیوانات بدون مجوز یا از بین بردن درختان موضوع ماده ۱ یک قانون گسترش فضای سبز، اختلال در وسایل و تاسیساتی که مورد استفاده عموم است به میان نیامده است؛ اما با کمی دقت در می یابیم که متأسفانه قانونگذار در برخورد با جرایم زیست محیطی استانداردهای دوگانه ای را در پیش گرفته است. با این توضیح در حالی که به درستی قانونگذار جرایم پیش گفته را دارای جنبه عمومی می داند اما در کمال ناباوری در مواد ۶۷۹ و ۶۸۵ و ۶۸۴ قانون مجازات اسلامی که به ترتیب راجع به شکار حیواناتی که شکار آنها از طرف دولت ممنوع اعلام شده است از بین بردن تاکستان ها، باغ ها، نخل ها، نخلستان ها، از بین بردن یا قطع اصل نخل خرما دارای جنبه خصوصی دانسته و شروع به تعقیب در جرایم را مستلزم شکایت شاکی خصوصی می دانست. اما با رویکردی که در قانون مجازات ۹۲ اتفاق افتاده قانونگذار مواد مربوط به ماده ۷۲۷ را از قانون مجازات حذف کرده است. متأسفانه این رویکرد دوگانه در قوانین زیست محیطی نیز دیده می شود. ماده ۱۸ قانون شکار و صید اشعار می دارد: در جرایم مذکور در این قانون سازمان حفاظت از محیط زیست از حیث مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم بر حسب مورد شاکی یا مدعی خصوصی شناخته می شود. در حالی که قانون شکار و صید سازمان حفاظت محیط زیست را صرفاً از جهت ضرر و زیان ناشی از جرم شاکی و مدعی

خصوصی می‌داند و به جرایم مذکور در قانون مارالذکر بعد عمومی داده و دست دادستان را برای اقامه دعوی کیفری از بعد عمومی علیه مجرمان زیست محیطی باز گذاشته است؛ اما قانونگذار در قانون حفاظت و بهسازی در ماده ۱۴ خود خلاف موارد بالا را در پیش گرفته و مقرر می‌دارد در مورد جرایم مذکور در این قانون سازمان حفاظت محیط زیست حسب مورد شاکی یا مدعی خصوصی شناخته می‌شود. متأسفانه قانونگذار در ماده ۱۴ قانون حفاظت و بهسازی به جرایم مذکور در این قانون جنبه خصوصی داده و دست دادستان را برای اقامه دعوا علیه متجاوزان به محیط زیست بسته است و در نتیجه دادستان باید منتظر شکایت سازمان حفاظت محیط زیست باشد که این رویکرد قانونگذار مورد انتقاد است. با وجود این تفسیر منابعی که به ذهن می‌رسد این است که بر اساس این ماده قانونی سازمان حفاظت از محیط زیست موظف است علیه کسانی که جرایم مذکور در این قانون را انجام می‌دهند شکایت کند و حق عدم شکایت گذشت یا استرداد دعوی را ندارد. پس اگر سازمان این وظیفه قانونی خود را به درستی انجام ندهد با توجه به اینکه سازمانی است که زیر نظر ریاست جمهوری است رئیس جمهور باید تذکرات لازم را بدهد (زهرة وند، ۱۳۹۱، ص ۱۵ به بعد)؛ اما در حال حاضر با بخشنامه ای که در اسفند سال ۱۳۹۳ از طرف رئیس قوه قضاییه صادر شده است دادستان‌ها مکلف هستند حتی در صورت عدم شکایت سازمان‌های متولی حفظ محیط زیست در صورت بروز جرم زیست محیطی ورود پیدا کرده و متهم را تحت تعقیب قرار دهند.

به طور کلی اهم وظایف اجرایی دادستان در راستای حمایت از محیط زیست را می‌توان به مواد ذیل تقسیم کرد:

الف: طرح موضوع در ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی

هدف از تشکیل ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی، توجه ویژه به موضوع امر به معروف و نهی از منکر در در جهت پیشگیری از وقوع جرم است. با توجه به اینکه این ستاد، در عموم شهرها وجود دارد و دادستان نیز عضو این ستاد است، لذا وی می‌تواند با طرح موضوع ((جرایم زیست)) در این ستاد، نقش مهمی در پیشگیری از این جرایم ایفا کند؛ به ویژه آن‌که دادستان می‌تواند با ایجاد هماهنگی در بین سازمان‌های ذیربط از قبیل ناجا، ستاد امر به معروف و نهی از منکر، دادسرا و دیگر نهادها و پیش‌بینی راه حل‌های مناسب و سازگار با عرف هر شهر و نیز با رعایت هنجارها و روابط اجتماعی حاکم بر آن شهر، تدابیر مناسبی را برای پیشگیری از جرایم زیست محیطی اتخاذ نمایند (طرهانی، ۱۳۹۷، ۱۰۶). آموزش مامورین و کارمندان نهادهای مختلفی که در این ستاد عضویت هستند، در خصوص نحوه تعامل با مردم جهت پیشگیری از جرایم زیست توسط دادستان، تأثیر مطلوبی در راستای توجه مناسب مردم داشته باشد؛ چرا که عدم آموزش کافی پرسنل و نهادهای ذیربط خود، می‌تواند جرم‌زا باشد؛ لذا نقش دادستان در این خصوص، بسیار مهم و حیاتی است.

ب: طرح موضوع در ستاد پیشگیری و مبارزه با جرایم خاص

ستاد پیشگیری و مبارزه با جرایم خاص در راستای پیشگیری از جرایم خاص همچون جرایم اقتصادی و جرایم سازمان یافته علیه اموال مردم که با استفاده از رانت یا از طریق تشکیل شبکه‌های اختلاس و کلاهبرداری صورت می‌گیرد یا جرایم علیه امنیت، باید در جهت پیشگیری از این جرایم خاص، راه کارهای مناسب ارائه نماید. به همین جهت جرایم زیست محیطی هم از حیث موضوع و هم از حیث اهمیت آن‌ها که گاه جنبه امنیتی پیدا می‌کند، می‌-

تواند در این ستاد مطرح گردد؛ چرا که اخیراً بحران‌های موجود در محیط زیست، زمینه‌های درگیری‌های قومی و محلی را ایجاد نموده است. نهایتاً باید گفت که دادستان هر شهرستان در این ستاد عضویت داشته و تحت نظارت دادستان مرکز استان، باید در جهت پیشگیری از جرایم خاص که مصادیق آن ذکر شد راه‌کارهای مناسب ارائه دهند تا از این طریق در راستای مقابله و پیشگیری از این جرایم گامی موثر برداشته شود (نقره کار، ۱۳۸۸، ص ۱۴۳).

ج: طرح موضوع در شورای عالی پیشگیری از جرم

بر اساس ماده ۲ و ۳ قانون پیشگیری از وقوع جرم می‌بایست شورای عالی پیشگیری از جرم به ریاست رییس قوه قضاییه و با عضویت سایر مسئولین که دادستان کل کشور از جمله آن‌هاست، جهت تصویب طرح‌ها و برنامه‌های پیشگیری از جرم، تبیین وظایف و نقش‌های هر یک از دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی در امر پیشگیری از جرم در چارچوب وظایف آن‌ها و ... تشکیل شود (نقره کار، ۱۳۸۸، ص ۱۴۳).

بدین ترتیب، با توجه به نقش مؤثر دادستان در این شورا، چنانچه دادستان، آن‌چنان که باید به لزوم پیشگیری از جرایم زیست محیطی آگاه باشد، می‌تواند از طریق ارائه پیشنهادهای سازنده و مناسب در هر محل، تأثیر چشم‌گیری در پیشگیری از جرایم زیست محیطی داشته باشد.

د: طرح موضوع در شورای حفظ حقوق بیت المال در امور اراضی و منابع طبیعی

این شورا در سال ۱۳۸۳ در راستای حفاظت از اراضی ملی و منابع طبیعی و نیز حمایت از حقوق عامه و نیز پیشگیری از تخریب و تصرف منابع طبیعی و در جهت اجرای اصول ۴۹-۴۵، ۵۰ و ۱۵۶ قانون اساسی تشکیل شد. بر اساس دستورالعمل اجرایی شورای حفظ حقوق بیت المال در امور اراضی و منابع طبیعی کشور مصوب ۱۳۹۹ این شورا به ریاست رییس قوه قضاییه تشکیل می‌شود و دادستان کل کشور، نیز دبیر آن می‌باشد. دادستان‌های عمومی و انقلاب هر شهرستان نیز در شورای شهرستان عضویت دارند و این شورا مسئول پیشگیری و برخورد با جرایمی است که منجر به تصرف، تخریب و تجاوز به اراضی و املاک دولتی و عمومی و نیز منابع طبیعی و انفال می‌شوند (خالقی، ۱۳۹۲، ۵۱-۶۱).

ه: شروع به تعقیب جرایم زیست محیطی

در خصوص اختیارات دادستان در تعقیب و تحقیق جرم لازم است به این موضوع توجه شود که دادستان در فرایند عدالت کیفری طرف دعوای عمومی است و به نمایندگی از جامعه برای دفاع از منافع عمومی و اجرای عدالت مداخله می‌کند. دادستان می‌تواند اقدامات مرتبط باگردآوری ادله با قراین اثباتی جرم مشهود، ثبت مشخصات شهود، گردآوری ابزارهای جرم، تحقیقات ضروری در صحنه جرم مشهود و جز اینها را به نمایندگی از جامعه و در اجرای مقررات قانونی انجام دهند و ادله گردآوری شده و متون را به مرجع قضایی تحویل دهند (صالحی، ۱۳۹۷، ۲۰۳) که همه این‌ها در جرایم زیست محیطی با اقرار متهم، شکایت شاکی، وقوع جرم مشهود در برابر دادستان یا بازپرس و یا اعلام جرم توسط سازمان حفاظت محیط زیست و ... اعلام جرم توسط سازمان‌های مردم نهاد، اعلام جرم توسط اشخاص عادی و یا با گزارش ضابطان عام یا خاص آغاز می‌گردد (ماده ۱۲ دستورالعمل نحوه نظارت و پیگیری حقوق عامه، مصوب سال ۹۵/۱/۱۷) و مرتکبین این جرایم اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی مورد پیگیری قانونی قرار می‌گیرند.

به طور کلی، چنانچه دادستان به هر طریقی در حوزه قضایی خود از وقوع جرایم زیست محیطی مطلع شود، می بایست مطابق مقررات آیین دادرسی کیفری، اقدام کند (طرهانی، ۱۳۹۷، ۱۰۸-۱۰۶). اگر اقدامات صورت گرفته توسط مرتکبین، جرم نباشند؛ اما موجبات تخریب محیط زیست و آلوده ساختن آن را فراهم نماید، ضمن جمع‌آوری مستندات، مراتب را به صورت مستدل به سازمان‌های مسئول؛ مثل شرکت‌های آب منطقه‌ای و سازمان حفاظت محیط زیست منعکس می‌نماید تا به بررسی موضوع پرداخته و پیگیری‌های لازم را به عمل آورند. در صورت عدم اقدام لازم توسط سازمان مسئول مربوطه، ضمن انعکاس مراتب به مرکزیت سازمان، دادستان کل را نیز از موضوع مطلع می‌سازد. در صورتی که ارتکاب جرایم زیست محیطی منتهی به ورود خسارت به محیط زیست گردد، دادستان ضمن تعقیب کیفری متهم یا متهمان در دادگاه صالح، جبران خسارت وارده را از حیث ترضیع حقوق عمومی، در صورت احراز، بدون پرداخت هزینه دادرسی از دادگاه درخواست می‌نماید (ماده ۷ دستورالعمل نحوه نظارت و پیگیری حقوق عامه، مصوب سال ۹۵/۱/۱۷).

نقش مقام قضایی در پیشگیری از آلودگی و تخریب محیط زیست شهری

دادستان باید در راستای هدف پیشگیری از وقوع جرم با استناد به آئین نامه مصوب ۱۳۸۳ رئیس قوه قضاییه، نظارت بر حفاظت از محیط زیست را بر عهده بگیرد؛ بنابراین یکی از مسئولیت‌ها و وظایف مهم دادستان پیشگیری از وقوع جرم بوده و دادستان برای ایفاء این نقش در جهت حفاظت از محیط زیست باید تدابیر و اقدامات شایسته‌ای انجام دهد. مهمترین این تدابیر تشکیل دادرسی‌های ویژه با محوریت دادستان به عنوان مدعی العموم و همچنین نظارت دقیق بر عملکرد ضابطان دادگستری در جهت پیشگیری از وقوع جرم در زمینه محیط زیست است. با توجه به اهمیت روز افزون محیط زیست، رسیدگی به جرایم مرتبط با این حوزه روز به روز اهمیت خود را پیدا می‌کند. در همین خصوص دادرسی ویژه رسیدگی به جرایم حوزه محیط زیست در برخی از استان‌های کشور راه اندازی شد.

شعبه ویژه رسیدگی به پرونده‌های مربوط به جرایم محیط زیست و زمین‌خواری باید در استان‌هایی که با این مشکل روبه‌رو هستند، تشکیل شود. برخورد قاطعانه‌تر با تخریب‌کنندگان اراضی ملی و زمین‌خواران یکی دیگر از مزایای تاسیس شعبه ویژه رسیدگی به پرونده‌های محیط زیست عنوان شده و در این خصوص تصرف غیرقانونی و تخریب اراضی ملی و دولتی همواره یکی از مشکلات کشور به شمار می‌آید. تعطیلی و انتقال واحدهای آلاینده که ممکن است به تنهایی و یا توأم به کار گرفته شود، اصولاً مربوط به کارگاه‌ها، صنایع و مراکز است که به اشکال گوناگون موجب آلودگی و تخریب محیط زیست می‌شوند؛ بنابراین برای آنکه بتوان از ادامه فعالیت آلاینده این گونه اماکن و مراکز و تخریب محیط زیست از سوی آنها جلوگیری به عمل آورد، بر اساس ضوابط و مقررات قانونی، دادستان می‌تواند حسب مورد نسبت به تعطیل کردن این واحدها و مراکز تا هنگامی که موجبات آلوده کردن محیط زیست این مناطق می‌شود، اقدام کند. پاسخ تعطیلی و یا انتقال واحدهای آلاینده از جمله پاسخ‌هایی است که می‌تواند با شرایط مباشر جرم منطبق باشند و هم متناسب برای جرم زیست محیطی باشند. در این

خصوص یکی از وظایفی که دادستان در زمینه حفاظت از محیط زیست دارد، تعطیلی آلاینده‌های زیست محیطی است (رفیع زاده، ۱۳۹۵، ۵۰-۵۵)

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

وظیفه دادستانی در خصوص حمایت از محیط زیست شهری مطلق است و مقید به اعلام جرم از طریق سازمان محیط زیست و یا سازمان بهداشت نیست. البته در مواردی وظایف کشف جرم بر عهده این وزارتخانه گذاشته شده است اما این مانع از وظیفه دخالت دادستانی نیست. اضافه بر این نکته ای که در اینجا ممکن است مطرح شود اینکه آیا نظارتی که بر ضابطان دادگستری صورت می‌گیرد مطابق قانون و به صورت کامل انجام می‌شود. به طور مسلم در حوزه محیط زیست همانطور که اشاره شده دادستان وظیفه دادن تعلیمات لازم به ضابطان را برعهده داشته و حتی می‌تواند بر ضابطان مرتبط با این حوزه و مطابق اختیارات قانونی نظارت داشته باشد؛ اما در زمینه آلودگی هوا در شهرهای صنعتی و بزرگ تا جایی که در رویه مشاهده می‌شود دادستانی اقدامات فراخوری انجام نداده است.

چه اینکه وی حتی در مورد بحث آلودگی هوا و صدمات جبران‌ناپذیر به سالمی شهروندان که سالیانه جان تعداد زیادی از شهروندان را می‌گیرد، می‌تواند از جایگاه مدعی العمومی وارد شده و به دفاع از حقوق شهروندان بپردازد. متأسفانه حتی در مواردی که ممکن است شهروندی برای جبران ضرر و زیان وارده، شکایتی داشته باشد با دلسردی از حمایت این مقام نتواند به حق خود برسد.

قوه قضاییه و به تبع آن دادستانی در زمینه حفاظت از محیط زیست و به وظایف قانونی خود عمل میکرد امروزه کشور ما این چنین با مشکلات محیط زیست و تخریب بی‌رویه اراضی ملی جنگل‌ها، آب‌ها و گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری رو به رو نبوده که باید گفت نسل بیشتر اینگونه‌ها به کلی منقرض و یا در حال انقراض است که همگی آنها نسل‌های امروز و آینده شهروندانمان را با خطر جدی مواجه خواهد کرد.

منابع

ادینگتون، جان. م، ۱۳۷۶، کاربرد علم اکولوژی در کاهش اثرات سوء تغذیه، ترجمه: اسماعیل کهرم، تهران انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست

امیر ارجمند، اردشیر، ۱۳۷۳، حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین‌المللی، تحقیقات حقوقی، ش ۱۵
جمشید ممتاز، ۱۳۷۷، حمایت از محیط زیست مطابق کنوانسیون‌های ژنو و لاهه با اشاره به جنگ دوم خلیج فارس در: حقوق بشر در پرتو تحولات بین‌المللی، ترجمه: حسین شریفی طراز کوهی، تهران، نشر دادگستر

حاتمی، مرتضی، ۱۳۹۵، بررسی رابطه آلودگی هوای با مرگ و میر ناشی از بیماری‌های قلبی-عروقی و تنفسی درجهان و ایران، هشتمین همایش ملی و نمایشگاه تخصصی مهندسی محیط زیست

خالقی، عبدالفتح، رشنوادی، حجت‌الله، ۱۳۹۲، سیاست تقنینی کیفی ایران در صیانت از منابع آب با عنایت به اسناد بین‌المللی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفی، سال دوم، شماره ۳

ذفیع زاده، افراسیاب، ۱۳۹۵، بررسی نقش و وظایف دادستان در آلودگی و تخریب محیط زیست، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، راهنما محمد حسن حبیبی، دانشگاه آزاد تهران مرکز

زهره نند، مهدی، ۱۳۹۱، نقش قوه قضاییه در مقابل جرایم زیست محیطی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، راهنمادکتر علی اکبر گرجی، دانشگاه شهید بهشتی تهران

صالحی، محمدخلیل، افراسیابی، علی، ۱۳۹۷، جایگاه و حدود اختیارات دادستان در نظام رسیدگی کیفری ایران، پژوهش حقوق کیفری، ش ۲۵

صفایی، حسین، ۱۳۹۴، مسئولیت مدنی ناشی از ایراد خسارات بر محیط زیست، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، استاد راهنما عیسی امینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، دانشکده حقوق

طرهانی، سجاد، ۱۳۹۷، نقش دادستان در محاکم عمومی در حقوق کیفری ایران، فصلنامه مطالعات حقوق، ش ۲۸ فهیمی، عزیز الله، ۱۳۸۷، فلسفه حقوق محیط زیست و آثار آن، فصلنامه پژوهش های فلسفی - کلامی دانشگاه قم، ش ۳ (۳۵)

قره کار، محمد صالح، ۱۳۸۸، نقش دادستان در صیانت از حقوق عامه، تهران، انتشارات جنگل

میر محمد صادقی، حسین، ۱۳۹۵، جرایم علیه و آسایش عمومی، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان

میرعظیم، قوام، ۱۳۷۵، حمایت کیفری از محیط زیست، تهران، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست

